

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Monarch's Spatial Accessibility: Examining Six
Mirrors for Princes in the Medieval Islamic Period
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

دسترس پذیری فضا مند به شاه: بررسی شش سیاست نامه دوره میانه اسلام

محمد فرید مصلح*

گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

چکیده

بیان مسئله: دسترس پذیری در معماری و شهرسازی معاصر به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود. از آنجا که الگوهای فضا مند و سیاسی امروزی برگرفته از نظریات و تجربیات تاریخی غربی است، در این تحقیق کوشش شده تا انگاره دسترس پذیری در بستر تاریخی سیاست فضا در ایران جست‌وجو شود. **هدف پژوهش:** هدف این تحقیق بررسی ضرورت و چگونگی دسترس پذیری عموم مردم به شخص شاه در دوره میانه اسلام است. قرون میانه، عصر طلایی اسلامی است که دانش نظری سیاسی هم‌پا با قدرت سیاسی پویایی داشته است.

روش پژوهش: در این تحقیق، متن شش سیاست نامه دوره میانه اسلام، یعنی قابوس نامه عنصرالمعالی، سیاست نامه نظام الملک، نصیحه الملوک امام محمد غزالی، تحفه الملوک، اخلاق ناصری نصیرالدین طوسی و مرصادالعباد نجم رازی توجه شده است. هدف از مطالعه این منابع دسته اول، استخراج تجویزها و دستوراتی است که الگوها و سازوکارهای دسترس پذیری شاه را در سطح خرد توضیح می‌دهند و یک خردروایت مطلوب از نخبگان سیاسی آن زمانه را بازتاب می‌دهد.

نتیجه گیری: اگرچه حکمت عملی سیاست نامه‌ها توصیه‌هایی برای تطویل عمر رژیم سیاسی استوار بود و همچنین ضروری است که به دور از زمان پریشی، از معادل انگاشتن نسبت رعیت به شاه با شهروندان معاصر به دستگاه سیاسی حاکم اجتناب کرد، اما در صورت پرسش از چگونگی به جای چینی، چند چرخش گفتمانی در سیاست نامه‌ها نمایان می‌شود. سیاست نامه‌ها، به منزله ابزار تظاهر به توجیه مشروعیت، به تدریج از سطح صرف تظلم خواهی عبور کرده‌اند؛ چنانکه در سیاست نامه و نصیحه الملوک نمونه‌های فضا مند ارجاع یافته به پیش از اسلام و صدر اسلام دیده می‌شود، با این حال در سیاست نامه‌های متأخر از قرون میانه، محور رعیت و نیز دال احسان - در کنار دال عدالت - برجسته تر است. احسان به مردم بستر دسترس پذیری را فراهم می‌سازد و اوج این توجه در مرصادالعباد است؛ جایی که دسترس پذیری ایتاء ذی القربی هم‌ارز عدالت نهاده می‌شود و به جای شمارش فضیلت‌ها، «حالت شاه» را در نظر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ایران، نظام الملک، مرصادالعباد، نجم رازی، سیاست فضا، سیاست خرد.

مقدمه

است. با این حال، هدف از این پژوهش، فراروی از نظریات پذیرفته شده‌ای است که امروزه برای دسترس پذیری ارائه می‌شوند. ادراک امروزی از معماری و دانش آن ذیل نهاد دانشگاهی مدرن شکل گرفته و علوم اجتماعی و سیاسی ایرانی متأثر از جهان بینی غربی است. با وجود آنکه نمی‌توان گسست از سنت ایرانی را نادیده گرفت، اما رجوع به تاریخ، یکی از راهکارهای الهام بخش برای تجویزهای غنی تر است.

هدف از این پژوهش بررسی دسترس پذیری نهاد سیاسی حاکم در دوره تاریخی ایران است. از آنجا که نظام سیاسی در تاریخ ایران یک نظام سلطنتی بوده، بررسی

دسترس پذیری^۱ در تعریف مرسوم به منزله کیفیت و امکانی است که همه افراد بتوانند وارد یک فضا شوند یا از آن استفاده کنند (Cambridge Dictionary Online, n.d).

تعابیر مختلفی برای دسترس پذیری وجود دارد که امروزه بیش تر ناظر به دسترس پذیری کهن سالان و یا توان خواهان است؛ با این حال، در حوزه اجتماعی-سیاسی به منزله دسترس به فضاهای عمومی و حق به شهر تعبیر می‌شود. بنابراین، امروزه دسترس پذیری به عنوان یک انگاره ارزشمند در طراحی معماری و تحلیل شهری

*نویسنده مسئول: ۰۹۳۰۷۲۰۲۶۳۸، mosleh.farid@ut.ac.ir

پیشینه تحقیق

با وجود اینکه تاکنون منابع مکتوب تاریخی مختلفی نظیر وقف‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌ها، اشعار، احادیث و قرآن در پژوهش‌های فضا‌مند مطالعه شده‌اند، اما سیاست‌نامه‌ها به‌طور خاص به‌عنوان یک سند تجویزی برای حکام کمتر مورد توجه پژوهش‌های معماری قرار گرفته‌اند. عمده مطالعات انجام‌گرفته بر این آثار معطوف به حوزه مطالعات علوم اجتماعی و سیاسی است و با توجه به پروبلماتیک خاص خود، فضا در آن نادیده گرفته شده است. برای مثال با وجود اینکه موضوع پژوهش ذاکری و همکاران (۱۳۹۹) بر محور بازخوانی عدالت و ظلم است، اما رویکرد استعاری آنها، تحلیل فضا‌مند را منتفی ساخته است. صادقی و رئیسی نافچی (۱۳۹۹) نیز با وجود آنکه تصویر مطلوب شاه در سه سیاست‌نامه و دو اثر دیگر را توضیح می‌دهند، اما هدف آنها، بررسی تصویر اجتماعی شاه است. از این‌رو، در این پژوهش‌ها دسترس‌پذیری به شاه صرفاً به تصویری دادخواهانه از شاه فرو کاسته شده است.

صارمی و جلالی (Saremi & Jalali, 2022) نیز با نگاهی به آراء خواجه نظام‌الملک برخی توصیه‌های کلان او در اقدامات شهرسازی را مثال زده‌اند، اما این توضیحات بیشتر در سطح کلان و آبادانی مملکت باقی مانده و در سطوح معماری و تجویزهای خرد فضا مطالعه نشده است. میسمی و امیرارجمند (۱۳۹۹) به‌خوبی هم‌زیستی شاه با مردم در سیرالملوک و نصیحه‌الملوک را توضیح داده‌اند. اما در این تحقیق نیز تمرکز بر مطالعه هم‌زیستی است تا فضا‌مندی‌ها و همین‌طور به سایر سیاست‌نامه‌ها قرون میانی و مقایسه آنها با یکدیگر توجه نشده است.

لازم به توضیح است که آثار ارزشمندی دیگری وضعیت سیاست‌نامه‌ها و جایگاه آنها را در مختصات سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران توضیح داده‌اند که در فهم زمینه‌ای موضوع مؤثر بوده و به مطالعات اولیه تحقیق کمک شایانی رسانده‌اند که از جمله می‌توان به مطالعات طباطبایی (۱۳۷۹؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۵)، فیرحی (۱۳۸۶) و سایر مقالاتی اشاره کرد در متن این تحقیق ارجاع شده‌اند. اما با توجه به سؤالات و هدف این تحقیق، همچنان خود متن اصلی سیاست‌نامه‌ها ملاک تحقیق قرار گرفته است تا دال نادیده‌انگاشده فضا برجسته شود.

• مشروعیت سیاسی در قرون میانه و پیشینه آن

مشروعیت^۲ براساس مطالعات پژوهشگران تاریخ سیاسی در ایران نظیر راجر سیوری (Savory, 1974, 187) به «حق حاکمیت» تعبیر شده است. فیرحی (۱۳۸۶، ۲۲-۲۱) آن را توجیه فرمان‌دادن حاکمیت و اطاعت مردم در نظر گرفته

دسترس‌پذیری شخص شاه در نسبت با عامه مطالعه شده است. با وجود آنکه آثار برجای‌مانده‌ای چون دولتخانه‌ها و نگارگری‌ها شواهدی از تاریخ سیاسی ایران را برملا می‌کنند، اما شواهد فضا‌مند کافی برای درک الگوهای سازوکاری و روزمره فضا برای دسترس‌پذیری شاه ارائه نمی‌دهند. از این‌رو، ماده این تحقیق، مکتوباتی است که با عنوان سیاست‌نامه‌ها بر جای مانده‌اند. سیاست‌نامه‌ها رساله‌هایی‌اند که از جانب فقیهان، فیلسوفان، عرفا و بزرگان خطاب به فرمانروایان نگاشته می‌شدند و به‌عنوان یک راهنمای عملی برحسب شرایط زمانه تنظیم می‌شدند طباطبایی (۱۳۷۹، ۲۶-۲۵). جریان اثرگذار اندیشه سیاسی در دوره اسلامی در ایران را اندیشه سیاست‌نامه‌نویسان دانسته و مطالعات موجود بر این آثار را ناکافی خوانده است. مطالعه سیاست‌نامه‌ها یکی از کلیدی‌ترین ابزارها برای فهم چگونگی سیاست فضا در ادوار تاریخی است. اما برای تدقیق پژوهش و تحدید دامنه آن، تمرکز این پژوهش محدود به دوره میانه اسلام است که به‌عنوان دوره طلایی اسلامی نیز خوانده می‌شود و پویایی نظری بر سیاست‌نامه‌های آن برقرار است. فیرحی (۱۳۸۶، ۹۰) معتقد است که در این دوره تاریخی تمدن اسلامی مبتنی بر دانش و به‌ویژه «دانش عملی» است و قدرت سیاسی هم‌پای آن در حال تحول است. بنابراین فرض بر این است که نظریات در این دوره تصویری پویا از انگاره مطلوب نخبگان ادوار میانی از نسبت شاه با مردم را به تصویر بکشاند و به ضرورت وجود و چگونگی دسترس‌پذیری شاه با عامه پاسخ دهد. بدین ترتیب پرسش‌های این تحقیق عبارتند از اینکه:

۱. آیا دسترس‌پذیری به شخص شاه در سیاست‌نامه‌های قرون میانی ضرورت داشته است؟

۲. دسترس‌پذیری به شاه تا چه اندازه و چگونه سازوکار فضا‌مند گرفته است؟

از آنجایی که تمرکز این تحقیق بر متون مکتوب است، نمی‌توان حوزه جغرافیایی تحقیق را به محدوده مشخصی از قلمروی ایرانی یا اسلامی فرو کاست. امتزاج ایده‌های اسلامی با ملوک‌داری ایرانی گسترده است و نشانه‌های آن را می‌توان از دوره خلافت اموی با تمرکز بر غلبه نظامی به‌جای عصبیت قومی و ولیعهدی به‌جای روابط قبیله‌ای، خراج و املاک سلطانی متأثر از دوره ساسانی و ساخت جدید قدرت در نظر گرفت که در دوره‌های بعدی، همچون بنی‌عباس شدت گرفت (همان، ۱۹۸-۱۷۰). بنابراین تنها محدوده زمانی سیاست‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است و سیر خطی تحولات اندیشه‌های سیاست‌نامه‌ها در موضوع خاص دسترس‌پذیری عوام به شاه تحلیل می‌شود.

توجه از لایه‌های نمادین و معنایی برداشته می‌شود و فهم وضعیت براساس خوانش تحولات فضا در نسبت با انسان ممکن می‌شود. در این نظریه بر نسبت‌مندی انسان با غیرانسان^۶ توجه می‌شود و مطالعه وضعیت ساختمان-در-حال-استفاده^۷ اهمیت می‌یابد (Yaneva, 2017, 162-163). فراروی از دوگانه برساخته سوژه-ابژه در این نظریه و رویکردهای مطالعات علم‌وفناوری این فرصت را در این تحقیق فراهم می‌کند که به‌جای تمرکز بر ماهیت حکمرانی یا شخصیت شاه، کنشگران غیرانسانی نادیده‌ای نظیر معماری و دسترسی، هم‌ارز با کنشگر انسانی مورد ادراک قرار گیرد (Latour, 1993). چنین درک شبکه‌ای از مفهوم روابط قدرت در فضا با تعبیر فوکویی (Foucault, 1980, 194) از مفهوم دیسپوزیتیو^۸ نیز شباهت دارد و اجازه می‌دهد که «مجموعه‌ای کاملاً متنوع و ناهمگون شامل گفتمان‌ها، سازمان‌ها، فرم‌های معماری، تصمیمات قانونی، قوانین، اقدامات اجرایی، اظهارات علمی و پیشنهادهای فلسفی، اخلاقی و بشر دوستانه» در کنار یکدیگر مطالعه شود. از دیدگاه فوکو قدرت امری مولد، منتشر و فراتر از دستگاه حاکمیت بود (Shiner, 1982, 390-392) که در ساحت‌های دیگری چون تکنولوژی، معماری و اشیاء نمودار می‌شد. از این‌رو، با وجود اینکه عموماً ساحت گفتمانی فوکو در ایران توجه شده، اما تفسیرهای پرشمار دیگری وجود دارد که به تأسی از آنها می‌توان ساحت ناگفتمانی و فراگفتمانی را در مسائل اجتماعی تحلیل کرد (West-Pavlov, 2009).

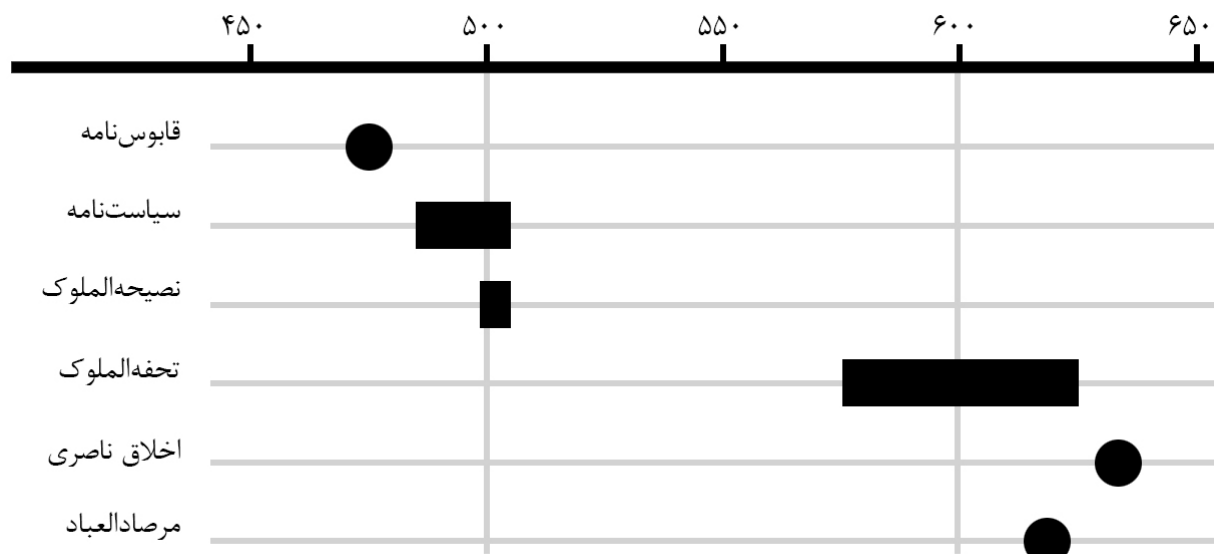
روش پژوهش

در این پژوهش، دسترس‌پذیری به شخص شاه، همان ساحت خرد سیاسی است که امکان مطالعه انضمامی سازوکارهای فضاوند مطلوب نخبگان سیاسی را نشان می‌دهد. استخراج سازوکارهای فضاوند و الگوهای آن براساس مطالعه مستقیم شش اثر تاریخی دسته‌اول یا سیاست‌نامه‌هایی است که به‌منظور تجویز وضعیت بهتر به حاکمان زمانه در دوره موسوم به قرون میانه، از نیمه دوم قرن ۵ تا نیمه نخست قرن ۷ نگارش شده‌اند. با توجه به اینکه یکی از سؤالات این پژوهش حول چگونگی دسترس‌پذیری است، گزاره‌های مرتبط با دسترس‌پذیری در سطوح مختلفی بازخوانی شده‌اند تا الگوهای آن استخراج و با یکدیگر مقایسه شوند. برای معرفی شش سیاست‌نامه و زمان تألیف آنها (تصویر ۱)، باید به این توجه داشت که قابوس‌نامه اثر عنصرالمعالی در سال ۴۷۵ ق. نگارش شده است. اثر دیگر، یعنی سیاست‌نامه اثر خواجه نظام‌الملک نخستین بار در سال ۴۸۵ ق. توسط نظام‌الملک تألیف شد، اما نسخه نهایی آن بنا بر مقدمه مصحح بین سال‌های ۴۹۲ تا ۵۰۵ انجام شده است

است. در واقع، مشروعیت تلاشی فعالانه است تا وضعیت سیاسی را با هنجارهای زمانه منطبق جلوه دهد و هنجار سازد. بر همین اساس، مشروعیت در عناصر فرهنگی حکومت نمودار می‌شود و در معماری و هنر تجلی می‌یابد. به همین سبب، می‌توان انتظار داشت که ایده‌های مطلوب مشروعیت‌ساز را در سازوکارهای معمارانه یک نظام سیاسی پویا جست‌وجو کرد. از آنجایی که تا پیش از اسلام، شاه به سبب فره ایزده موجودی ممتاز و معصوم شمرده می‌شد، ضرورت کمتری برای مشروعیت‌آفرینی احساس می‌شد. به بیانی، توجیه مشروعیت براساس یک نظام فکری اجتماعی بود که آن را به آسمان نسبت می‌داد و به همین سبب، توجیه زمینی در آن خوار انگاشته می‌شد. بوسه ایرانی پیش از اسلام، شاه مقامی خدای‌گونه داشت براساس مستندات، سنگ‌نگاره‌ها و منابع مختلف، دسترس‌پذیری شاهان، بخصوص شاهان ساسانی کمرنگ بود. با اینکه بنا به مناسبت‌ها، مانند آیین نوروزی قدری از سخت‌گیری‌های دیدار مردم و شاه کاسته می‌شد، ولی به‌طور معمول، شاه بر تختی بلند و در محاصره حلقه‌های تشریفاتی قرار می‌گرفت. چنین وضعیتی با ورود آموزه‌های اسلامی دگرگون شد؛ چنانکه تا حد زیادی اعتبار شاه به میزان دسترس‌پذیر بودن او توسط مردم و اجرای عدالت وابسته شد. مطلوب آن بود که مردم بتوانند خواسته یا شکایاتشان را بدون واسطه با شاه در میان بگذارند. با وجود اینکه در صدر اسلام چنین رفتاری از جناب خلفای اسلامی رواج داشت، اما دوره‌بندی این تحقیق منطبق بر زمانه‌ای است که با فاصله‌گیری از صدر اسلام و بسط امپراتوری اسلامی رقم خورده است. بنابراین، تمرکز این تحقیق بر دوره‌ای است که دسترس‌پذیری دگرگون شده است، درحالی که از دو میراث حکومت‌داری ایران پیش از اسلام و صدر اسلام برخوردار است.

• نسبت معماری با سیاست در ساحت خرد فضا

خوانش وضعیت کلان سیاسی بر حسب وضعیت خرد، یکی از ابزارهای بهبود فهم تاریخی و تکمیل کلان‌روایت‌ها براساس خردروایت‌هاست. روایت‌های کلان از معماری در کنار مطالعات انضمامی می‌تواند بازنما یا بازتابی^۹ از زمینه اجتماعی باشد. با این حال، در نیم‌سده اخیر، کوشش‌های جدی صورت گرفته تا این نسبت بازنمایانه یا انعکاسی دگرگون و تعمیق شود. هدف از این رویکردهای نوین، فهم برهم‌کنش دوسویه معماری با ساختار اجتماعی-سیاسی است. فضا صرفاً به‌عنوان یک مصداق یا شاهدی از وضعیت کلان سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود (Awan et al., 2011). در هستی‌شناسی‌های متأخری چون نظریه کنشگر-شبکه^{۱۰}



تصویر ۱. سیاست‌نامه‌های مورد بررسی و سال تألیف آنها (ق). مأخذ: نگارنده.

نگاهی تفسیری قابل‌ارزیابی است: «و همه کارها و سخن‌ها را بچشم داد بین تا در همه کارها حق و باطل بتوانی دیدن که چون پادشاه چشم داد و خردمندی کشاده ندارد طریق حق و باطل برو کشاده نشود و همیشه راست‌گوی باش و لیکن کم‌گوی و کم‌خنده باش تا کهتران بر تو دلیری نکنند که گفته‌اند بدترین کاری پادشاه را دلیری رعیت است... و عزیز دیدار باش تا به چشم لشکر و رعیت خوار نگردی» (همان، ۱۸۰). در این گزاره، اهمیت نگاه کردن و به چشم دیدن مورد توجه قرار گرفته است؛ اما بلافاصله تذکر داده شده که مشاهده حاکم سبب «دلیری رعیت» نشود تا حاکم «عزیز دیدار» بماند. بنابراین دسترس‌پذیری شاه به طور کلی توصیه نشده است؛ مگر برای دادخواهی، به شکلی که به هیبت او خدشه‌ای وارد نکند. ضرورت آگاهی و مشاهده احوال لشکر و مردمان از سر آن است که حاکم بتواند عادل بماند که عدالت او مهم‌ترین دال و جاهت اوست. بنابراین، ضروری است که حاکم در خلوت نباشد: «چشمه عمارت و خرمی اندر عالم پادشاه عادل است... و پیوسته بخلوت مشغول مباش که چون تو از لشکر و مردمان نفور باشی لشکر نیز از تو نفرت گیرند» (همان، ۱۸۵). با وجود اینکه در قابوس‌نامه، به آگاهی شاه نسبت به جامعه توصیه شده است، اما مشخصاً راهکار و یا الگوی عمل مشخصی پیشنهاد نشده است. حکایت‌های آن صرفاً مصداقی و موردی‌اند که نشان می‌دهد دادخواهی عموماً به شکل غیرمستقیم، با واسطه‌ها و بر مبنای نامه‌نگاری انجام می‌گرفته است، مگر به ضرورت. برای مثال در حکایتی، به پیرزنی اشاره شده است که برای تظلم‌خواهی نامه‌ای به دربار نوشته بود و پس

(نظام‌الملک، ۱۳۴۴، ۷). اثر سوم، یعنی نصیحه‌الملوک از امام‌محمدغزالی بنا بر تحقیقات مصحح کتاب، همزمان با سیاست‌نامه بین سال‌های ۴۹۸ تا ۵۰۵ ق. تألیف شده است (غزالی، ۱۳۱۷، ز). اثر چهارم، یعنی تحفه‌الملوک از آثاری است که با ابهام زمانی بیشتری مواجه است؛ چنانکه در نسخه‌های قدیم و تصحیحات اولیه مربوط به قرن ۷ یا ۸ هجری ق. خوانده شده است (محمودی اصفهانی، ۱۳۱۷)، اما براساس مطالعات سعید نفیسی و تصحیحات متأخرتر از علی‌اکبر احمدی دارانی (۱۳۸۲)، تاریخ تألیف این کتاب، حدود نیمه دوم قرن ششم یا نیمه نخست قرن هفتم در نظر گرفته است. دو اثر دیگر، یعنی اخلاق ناصری اثر خواجه نصیرالدین طوسی مربوط به ۶۳۳ ق. (همانی، ۱۳۲۰) و مرصاد‌العباد اثر نجم رازی، بنابر نظر محمدامین ریاحی (۱۳۸۲) ۶۱۸ ق. در نظر گرفته شده است. بنابر زمان تألیف این آثار، می‌توان گفت که سه اثر نخست احتمالاً متعلق به حدود نیمه دوم قرن ۵ یا اوایل قرن ۶، و سه اثر دوم متعلق به حدود نیمه دوم قرن هفتم‌اند که در این تحقیق نیز در این دو دسته کلی جای گرفته‌اند.

بحث

• سیاست‌نامه‌های نیمه دوم قرن ۵ یا اوایل قرن ۶ - قابوس‌نامه عنصرالمعالی

قابوس‌نامه (عنصرالمعالی، ۱۳۴۳) یکی از کتاب‌های تعلیمی قرن ۵ است که بابتی از آن به آیین پادشاهی اختصاص یافته است. در این اثر اشارات محدودی به دسترس‌پذیری شاه شده است که با توجه به غیرمستقیم‌بودن اشارات، صرفاً با

از به نتیجه نرسیدن، با رفتن به مظالم گاه مستقیماً مسئله او با دادخواهی از سلطان حل شده است (همان، ۱۳۴۳، ۱۸۴). بنابراین، توصیه‌های این کتاب به دسترس‌پذیری فضاوند حاکم برای عامه منجر نمی‌شود و حتی نسبت به آن، نگرانی‌هایی برای متزلزل شدن شأن شاه وجود دارد.

- سیاست‌نامه نظام‌الملک

در سیاست‌نامه (نظام‌الملک، ۱۳۴۴) اهمیت تظلم‌خواهی و آگاهی حاکم نسبت به کاستی‌ها و شرایط مردم بارها مورد تأکید قرار گرفته است و نظام‌الملک صراحتاً توصیه کرده تا پادشاه دو روز در هفته به مظالم بنشیند و «سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه» (همان، ۱۳). او حتی به حکایتی شنیدنی از تظلم‌خواهی ملوک عجم اشاره کرده است که حتی از توصیه نخست او نیز فراتر است.

چنین خواندم در کتب پیشینیان که بیشتر ملوک عجم دکانی بلند ساختندی و بر پشت اسب بر آنجا بایستادندی تا متظلمان را که در آن صحرا گرد شده بودند همه را بدیدندی و داد هر یک بدادندی و سبب این چنان بود که چون پادشاه جای نشیند که آن جایگاه را در درگاه و دهلیز و پرده باشد صاحب غرضان و ستمگران آن کس را بازدارند و نزد پادشاه نگذارند (همان، ۱۳). در واقع در این الگوی دادخواهی حاکم نه تنها بدون واسطه و به گوش خویش از اخبار متظلمان آگاه می‌شد، بلکه عوامل واسطه و محدودیت‌های فضاوند دولت‌خانه نیز از بین می‌رفت و شاه می‌توانست در فضایی آزادانه‌تر از مردم دادخواهی کند. اما نکته دیگر این است که با وجود ارتباط بی‌واسطه، ملوک عجم بر دکانی بلند بر پشت اسب با مردم در ارتباط بودند و به بیانی، سلسله‌مراتبی مشخص برای حفظ شأن شاه وجود داشته است. بنابراین دسترس‌پذیری بی‌واسطه در عین حفظ سلسله‌مراتب از الگوهای پیشنهادی سیاست‌نامه است. یکی از الگوهای دیگری که این دسترس‌پذیری را در عین حفظ سلسله‌مراتب حفظ می‌کرد، بارعام‌دادن بود: «چنین گویند که رسم ملوک عجم چنان بوده است که روز مهرجان و روز نوروز پادشاه مر عامه را بار دادی... و چون آنروز بودی منادی کن ملک بیرون در بازار ایستادی و بانک کردی که اگر کسی مر کسی را بازدارد حاجت برداشتن در این روز ملک از خون وی بیزار است. پس ملک قصه مردمان بستدی و همه پیش وی بنهادی». در این روایت حداقل برای دو بار در سال حاکم بار عام می‌داد و واسطه‌ها مستقیماً بر در بازار می‌ایستادند و نسبت به پذیرش دادخواست‌ها گشودگی داشتند. نظام‌الملک در فصل دیگری به تفصیل درباره مجالس شراب و بار عام و خاص به طیف‌های مختلف جامعه اشاره کرده است که آن نیز باید یک یا دو بار در هفته تکرار شود. در این بارها تأکید بر آن است که سلسله‌مراتب

جلوس حفظ شود؛ اما در عین حال تأکید شده است که بزرگان بتوانند حاکم را مشاهده کنند تا نسبت به غیبت حاکم بدگمان نشوند. نظام‌الملک هیچ ترتیبی را بهتر از فراخ‌باری - یا تکرر بارها - ندانسته است. توصیه به حفظ الگوهای سلسله‌مراتبی نسبت به خواست لشکریان و خدم و حشم نیز توصیه شده است (همان، ۱۴۰-۱۴۴). حتی نظام‌الملک به این اندیشیده که حضور مردم در دربار برای تظلم‌خواهی ممکن است که منجر به آشفته‌گی دولت‌خانه شود و تصویری از یک مملکت پر آشوب ارائه دهد. او برای این مسئله نیز به تفصیل راهکاری ارائه داده است: «همیشه مردمان بسیار از متظلمان بر درگاه مقیم می‌باشند و اگر چه قصه را جواب نمی‌یابند نمی‌روند و غریب و رسول که بدین درگاه آید و این فریاد و آشوب بیند چنان پندارد که بر این درگاه ظلمی عظیم می‌رود بر خلق این در بدیشان باید بست تا حاجات غریب و شهری جمله گوش کنند و بر جای نویسند و چون مثال بایشان رسید باید که در حال باز گردند تا این فریاد و آشوب نماند» (همان، ۲۶۱). به‌طور کلی می‌توان گفت که نظام‌الملک به دنبال تجویزهای ساختارمند و سلسله‌مراتبی با الهام از پیش از اسلام است که دسترس‌پذیری را ممکن می‌کند.

- نصیحه‌الملوک غزالی

در نصیحه‌الملوک (غزالی، ۱۳۱۷) عدالت پرننگ‌ترین وظیفه حاکم و دال بین او با مردم است: «و سلطان به حقیقت آن است که عدل کند میان بندگان» (همان، ۴۰). غزالی با نگاهی به سبک زندگی «خسروان پیشین» اظهار داشته که آنان ساعات شبانه‌روز را به چهار قسمت تقسیم می‌کردند و یکی از آنها مختص پادشاهی کردن، به داد مظلومان رسیدن و تدبیر و مشورت، فرمان‌دهی و نامه‌نویسی بوده است (همان، ۷۱). بنابراین عدالت و تظلم‌خواهی با نگاهی به حکومت‌داری ایرانی در دوره پیش از اسلام، از ویژگی‌هایی است که اثر غزالی را به سیاست‌نامه نظام‌الملک نزدیک می‌کند.

اما مهم‌تر از حکایات مرتبط با پیش از اسلام، در این اثر به دوره صدر اسلام و خلیفه دوم توجهی ویژه شده است و توصیه شده که برای درک دادخواهی سلطان، باید به سنت عمر اقتدا کرد. در حکایت‌هایی که از عمر نقل شده است، او برای تظلم‌خواهی و اعطای حق مردم از بیت‌المال مستقیماً با آنها وارد گفت‌وگو‌هایی می‌شده است و یا در شبگردی‌هایی که به شخصه در مقام امیرالمؤمنین انجام می‌داده است، متوجه گرسنگی مردمان و مسلمانان می‌شده و آنها را رفع می‌کرده است (همان، ۵۸-۶۰).

در هم‌آمیزی حکایت‌هایی از صدر اسلام با پیش از اسلام نشان می‌دهد که غزالی به دنبال آن بوده که الگویی فراتر از

همچون نصیحه‌الملوک تصویری ملاطفت‌آمیزتر از عدالت به تصویر کشیده شده است. چرا که بارها به وجه رحمانی حق و نیازمندی رعیت اشاره شده است. حتی در این اثر چندان تصویری از سلسله‌مراتب آثار قبلی چون قابوس‌نامه یا سیاست‌نامه مشاهده نمی‌شود و بلکه مذمت شده‌اند.

- اخلاق ناصری طوسی

با وجود آنکه بخشی از کتاب اخلاق ناصری از نصیرالدین طوسی (۱۳۴۶) در باب حکمت عملی سیاسی است، اما محتوای این کتاب فلسفی است و مجموعه بزرگ‌تری از مفاهیم را در بر گرفته است. اخلاق ناصری نیز همچون تحفه‌الملوک کوشیده تا مفاهیمی چون عدالت را با جزئیات بیشتر و ساختاریافته‌تری تبیین کند. مثلاً طوسی صراحتاً اعلام کرده است که نخستین فضیلت حاکم عدل است و دومین فضیلت، احسان اوست. از این‌رو، او به احسان حاکم جایگاهی والا داده است تا پس از عدل توجه شود. طوسی اصل در احسان را «خیراتی... زیاده بر مقدار واجب» دانسته است (همان، ۲۸۴). توجه همزمان او به عدالت و احسان شاه منجر شده تا او هیبت شاه را مورد توجه قرار دهد و ضروری بداند تا «ابواب رجاء و خوف بر خلق مسدود نگرداند» (همان). طوسی در جملاتی به حاکم توصیه کرده است که «باید که اصحاب حاجات را از خود محجوب ندارد» (همان). «محجوب کردن» به معنای «بازداشتن» است و همین‌طور معادل‌های عینی و فضایی دیگری از جمله «دور کردن» و «نهان و پوشیده ساختن» را در بر می‌گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۳۶۹). بنابراین در این کتاب، یک‌بار دیگر مفهوم رحمانی حکومت‌داری پرننگ‌تر می‌شود و این‌بار تحت عنوان احسان در کنار عدالت تشریح می‌شود. با وجود آنکه دسترس‌پذیری فضا مندم حاکم در این اثر چندان مورد توجه قرار نگرفته است، اما کلمات فضا مندمی چون «ابواب»، «مسدود» و «محجوب» ارجاعات عینی پرننگی را تداعی می‌کنند.

- مرصداالعباد رازی

برای درک نسبت حاکم با رعیت باید فصل دوم از باب پنجم کتاب مرصداالعباد (نجم رازی، ۱۳۱۲) را مطالعه کرد. نجم رازی این فصل را با آیه ۹۰ سوره نحل آغاز کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ ترجمه این آیه عبارت است: «به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم‌گری نهی می‌کند. شما را اندرز می‌دهد تا متذکر شوید» (۹۰، ۱۶). به استناد همین آیه، نجم رازی به «سه حالت» اشاره می‌کند که نشانگر شاه است: اول «عدل»، دوم «احسان»، و سوم «ایتاء‌ذی‌القربی». در کتاب پیشین، یعنی

وضعیت زمانه خویش به وجود آورد و با دستاویز قراردادن دوره‌های تاریخی متفاوت به این نیاز دست یابد. غزالی آگاهانه عمر را در برابر خلفای بنی‌مروان و بنی‌امیه قرار داده تا به یک نسبت فراموش‌شده در صدر اسلام تأکید کند: «باخبار عمر عبدالعزیز نگاه کن که هیچ‌کس از بنی‌مروان و بنی‌امیه را آن محمدمت نیست که او را» (همان، ۵۹). او به احادیث و روایت‌های متعددی اشاره می‌کند که نشان بدهد که توجه به امور زیردستان تا چه اندازه برای حاکم واجب و ضروری است: «این عمر روایت کند که رسول خدای فرمود که نیکوکاران را در بهشت جایهاست تا بدان کسی که با اهل و زیردستان خود نیکوئی کرده بود» (همان، ۵۱)؛ «و واجب بود بر سلطان که چون رعیت وی بیچاره شوند و بسختی درمانند ایشانرا فریاد رسد». با این حال، بزرگ‌ترین کاستی کتاب آن است که با وجود بیان ضرورت مسئله، او نتوانسته یک الگوی عمل مشخص و قابل تجویز را برای حاکم ارائه دهد. غزالی نیز همچون نظام‌الملک از رسم ملوک عجم بر بارعام و دادخواهی‌های ایشان برای دو بار در سال اشاره می‌کند (همان، ۹۱)، اما از جنبه تجویز یک الگوی مشخص ناموفق بوده است. بنابراین با وجود آنکه به مردمان و عوام توجهی ویژه کرده و با به میان آوردن حکایت‌هایی از عمر و انوشیروان، از الگوی سیاست‌نامه نظام‌الملک فراتر رفته است، اما تجویزهای او فضا مندم در سطح تجویزهای نظام‌الملک باقی مانده است.

• سیاست‌نامه‌های نیمه نخست قرن ۷

- تحفه‌الملوک

در کتاب تحفه‌الملوک (۱۳۱۷) بابی از کتاب به پادشاهی‌کردن اختصاص یافته و همچون آثار قبلی، عدالت شاه توجه شده است: «در خبرست که روز قیامت در سایه خدای تعالی باشد اول سلطان عادلست» (همان، ۶۳). در این کتاب کوشش شده تا مفهوم عدالت به شکلی ساختاریافته‌تر تبیین شود و ده قاعده برای آن ذکر شود که در این موارد، رعیت نقشی مهم دارد و بارها توجه شده است: «هرچه بر خود روا ندارد بر رعیت نیز جایز ندارد»؛ «ارباب حاجات بر درگاه وی حقیر نشناسد»؛ «با رعیت رفیق کند»؛ «چون از وی طلب حکم کنند عدل کند و چون رحمت طلبند عفو کند»؛ «تا تواند فخر و تکبر ترک کند که نخوت پادشاهی موجب کثرت خشمست بر خدم و رعایا» (همان، ۶۵-۶۳). در این روایت برخلاف سیاست‌نامه‌های متقدم، صراحتاً فخر و نخوت (تکبر) حاکم مورد مذمت واقع شده است و توصیه به ارائه تصویری رحمانی‌تر شده است. در حکایتی از انوشیروان، عنوان شده که دلیل عدم مخالفت مردم با او هفت مورد است که یکی از آنها آن بود که «دل رعیت نرمانیدم بداد و راستی» (همان، ۶۸). در تحفه‌الملوک،

اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی بی‌آنکه به این آیه اشاره‌ای کند، از دو مورد اول یاد کرده بود و گویی نجم رازی سومین مؤلفه را به آن افزوده است که در این آیه ذکر شده است. اما تفاوت اساسی دیگری که بین اثر طوسی و رازی مشهود است، این است که طوسی از عدل و احسان به‌عنوان «فضیلت» حاکم یاد کرده بود؛ در حالی که برای رازی به‌عنوان «حالت» حاکم یاد شده است که بنیادی‌تر از فضیلت است.

اما برای درک مفهوم سوم، باید به معنای کلمه آن توجه داشت. «ایتاء ذی القربی» در معنای کلی و براساس دانشنامه جهان اسلام «دادن حق خویشاوندان» تعریف شده است (دهقان و باغستانی، ۱۳۹۳)، اما در این بستر معنایی دقیقاً به دسترس‌پذیری^۱ نیز تفسیر شده است (Lambton, 1962, 110). چرا که نجم رازی در توضیح حالت سوم چنین اظهار کرده: «و اما حالت سوم که پادشاه را باشد و آن ایتاء ذی القربی است که حق‌گزاری عموم رعایاست، چه رعیت، پادشاه را بمثابت نزدیکانند بلکه بجای اهل و عیالند» (نجم رازی، ۱۳۱۲، ۲۴۶-۲۴۷). باید توجه داشت که در نگاه نجم الدین رازی «ایتاء ذی القربی» یا همان دسترس‌پذیری، هم‌تراز با «عدالت» در نظر گرفته شده است. بنابراین، می‌توان چنین استنتاج کرد که عدم دسترس‌پذیری حاکم، حالت و در نتیجه مشروعیت او را زیر سؤال خواهد برد.

نتیجه‌گیری

پیش از پاسخ به پرسش‌های این تحقیق، با بازگشت به مسئله مطرح‌شده، یعنی کشف انگاره دسترس‌پذیری در بستر تاریخی سیاست فضا در ایران، باید به این واقعیت اشاره کرد که گستره موضوع در این تحقیق به متن سیاست‌نامه‌های قرون میانه تحدید شده است. باید در نظر داشت که تحدید موضوع به این سوژه خاص نباید باعث نادیده‌انگاشتن سیر تطورات تاریخی مفهوم دسترس‌پذیری در دوران معاصر و زمان‌پریشی‌های تاریخی شود و چرخش‌های ماهوی حول مفهوم دسترس‌پذیری را کمرنگ شمارد. بنابراین، ضروری است که تفاوت‌های بنیادی نسبت حاکم به رعیت در قرون میانه را معادل نسبت شهروند به دستگاه سیاسی در دوره معاصر در نظر نگرفت. چرا که اساساً بخش پرننگی از مشروعیت حاکم جنبه‌ای الهوی داشته تا مدنی. چنین موضوعاتی در مطالعات علوم اجتماعی و سیاسی سیاست‌نامه‌ها بر چپستی و مقصود این آثار تمرکز دارند. اما به موازات آن، به‌جای چپستی، می‌توان از چگونگی تطور انگاره‌ها در سیاست‌نامه‌ها پرسش‌هایی طرح کرد و دریافت که به کیفیت‌های فضا مندم توجه شده

است. به بیانی، اگرچه حتی بپذیریم که سیاست‌نامه‌ها در عمل برای تطویل حکومت شاه نگاشته شده‌اند، اما در سیر خطی تاریخی‌شان در قرون میانه دچار چرخش‌هایی گفتمانی شدند که فضا در آن توجه شده است. عدل یکی از دال‌های حاضر در گفتمان سیاست‌نامه‌های بررسی‌شده بود که سطحی از دسترس‌پذیری برای تظلم‌خواهی یا احقاق حق مظلوم را درخواست می‌کرد. اگرچه بررسی موردی سیاست‌نامه‌ها حاکی از آن است که عموماً سطحی نمادین یا مصداقی یافته بود. اما در سیاست‌نامه‌های متأخرتر قرون میانه به‌مرور دال‌های دیگری توجه شده که خواه‌ناخواه، بر اهمیت دسترس‌پذیری افزودند. برای پاسخ به پرسش این تحقیق، یعنی چگونگی دسترس‌پذیری به شخص شاه، باید گفت که هر کدام از سیاست‌نامه‌ها کیفیت متفاوتی را به نمایش گذاشته‌اند که با دال‌های متفاوت در سطح مصداق‌ها و حکایت‌های متفاوت مطرح شده است (جدول ۱). برای بررسی دقیق‌تر دسترس‌پذیری در شش سیاست‌نامه (جدول ۲)، می‌توان اظهار داشت که قابوس‌نامه صرفاً به دسترس‌پذیری بر حسب ضرورت برای دادخواهی توجه کرده و نگارنده اثر، نگران گسترش دسترس‌پذیری از جهت به‌خطر افتادن شأن و مقام شاه است. بنابراین، همان‌طور که انتظار می‌رود، در این اثر دسترس‌پذیری فضا مندم شاه چه در سطح نظری و چه در حکایات و روایات آن ناچیز است و به الگوی عمل مشخصی منجر نمی‌شود. سیاست‌نامه کتاب دیگری است که با وجود نگرانی از شأن شاه و تبیین سلسله‌مراتب، از الگوهای فضا مندم شاهان ایرانی پیش از اسلام نظیر بارعام‌دادن الگو گرفته تا دسترس‌پذیری عینی و فضا مندم حاکم را تداعی کند. همچنین توصیه‌های او مبنی بر به‌گوش خویشتن سخن رعیت شنیدن و یا مشاهده‌پذیربودن برای بزرگان، تجویزهایی مسلم و فضا مندمند که در هیچ یک از پنج کتاب دیگر این‌چنین صریح وجود نداشته است. با این حال، در این کتاب، دسترس‌پذیری شاه صرفاً مصداقی برای تحقق و توجیه دال عدالت است و به‌خودی‌خود واجد ارزش مفهومی مستقلی در سطح نظری نیست. نصیحه‌الملوک نیز از برخی حکایات و روایت‌های سیاست‌نامه بهره‌مند شده است. نقطه‌ضعف این اثر، حذف برخی حکایت‌های فضا مندم و کمرنگ‌شدن دسترس‌پذیری عینی شاه است. در مقابل، نقطه‌قوت آن، توجه به زیردستان و رعیت است که دال عدالت را غنی کرده است. با این وجود، همچنان در این سه اثر نشانه‌ای از تبیین نظری مفهوم دسترس‌پذیری وجود ندارد.

بررسی سه اثر مربوط به نیمه نخست قرن ۷ هجری قمری نشان می‌دهد که در این دوره تلاش‌های بیشتری برای فراروی از دال عدالت صورت گرفته است. چنانکه در

جدول ۱. خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق. مأخذ: نگارنده.

زمان	کتاب	کلیدواژه‌ها	دسترس پذیری
	قابوس‌نامه	- به چشم داد نگرستن، پیوسته به خلوت نبودن، عزیزدیدار بودن برای لشکر و رعیت	- ضرورت آگاهی حاکم نسبت به جامعه برای اجرای عدالت عدم تجویز دسترس‌پذیری فضا مندرنگرانی از وجاهت شأن حاکم
بیمه دوم روزه	سیاست‌نامه	- مجلس شراب نوشیدن با طیف‌های مختلف اجتماعی، بار عام برای دو بار در سال، حفظ سلسله‌مراتب، مشاهده‌پذیر بودن حاکم برای بزرگان، سخن رعیت به گوش خویش شنیدن	- دسترس‌پذیری شاه با حفظ سلسله‌مراتب در مجالس بار عام و خاص با تأکید بر مشاهده‌پذیری حاکم برای بزرگان - شنیدن سخن دادخواهان رعیت به گوش خویش در طول هفته
	نصیحت‌الملوک	- خلیفه دوم (عمر)، حکایت بار عام ملوک عجم، رعیت	- توجه به زیردستان - ارتباط با مردم با رجوع به روایات خلفای صدر اسلام و پیش‌دستی حاکم برای درک ارتباط با مردم - عدم ارائه الگوهای عمل فضا مندر جدید
بیمه دوم روزه	تحفه الملوک	- رفق با رعیت، نکوهش فخر و نخوت (تکبر) حاکم	- تبیین مشروح‌تر عدالت با ساختار یافتگی بیشتر - ارائه تصویری رحمانی از عدالت حاکم - عدم توجه به الگوی عمل فضا مندر برای دسترس‌پذیری
	اخلاق ناصری	- عدالت و احسان به عنوان فضیلت حاکم، مسدود نبودن ابواب خوف و رجاء، محبوب نداشتن اصحاب حاجات	- تبیین احسان در کنار عدالت به عنوان فضایل شاه - تکامل تصویری دحمائی از عدالت حاکم - استفاده از کلیدواژگانی با تعابیر فضا مندر
	مرصادالعباد	- ایتاء ذی‌القربی	- تکامل مفهوم سه حالت شاه - دسترس‌پذیری هم‌تراز با عدالت

جدول ۲. بررسی چگونگی دسترس‌پذیری در ۶ سیاست‌نامه. مأخذ: نگارنده.

کتاب	دسترس‌پذیری برای عدالت	ضرورت	فراروی از دال عدالت	تبیین نظری دسترس‌پذیری	توصیه و حکایات فضا مندر دسترس‌پذیری
قابوس‌نامه	✓	✓	✗	✗	✗
سیاست‌نامه	✓	✓	✗	✗	✓
نصیحه‌الملوک	✓	✓	✗ (تأکید بر زیردستان)	✗	✓
تحفه‌الملوک	✓	✓	✗ (تأکید بر عدالت رحمانی)	✗	✗
اخلاق ناصری	✓	✓	✓ (احسان به عنوان فضیلت)	✗ (تعابیر نظری فضا مندر)	✗
مرصادالعباد	✓	✓	✓ (احسان و ایتاء ذی‌القربی به عنوان حالت)	✓	✗

گرفته‌اند. همچنین در مرصادالعباد، دسترس‌پذیری با عنوان «ایتاء ذی‌القربی» به عنوان یک حالت در تراز عدالت تعریف شده است که تا پیش از این، در هیچ‌یک از سیاست‌نامه‌های دیگر چنین اهمیت نظری نیافته بود. به‌طور کلی می‌توان گفت که در دوره دوم زمانی این تحقیق - یعنی حدود نیمه نخست قرن ۷- توجه سیاست‌نامه نویسان بر توسعه مفاهیم نظری معطوف شده تا اینکه بخواهند انگاره‌ها یا حکایت‌های عینی از دسترس‌پذیری را بازگو کنند. در عین حال، در چهار سیاست‌نامه آخر، توجه بیشتری به رعیت و دال رحمانی عدالت شده است و به همین دلیل، خواهناخواه دسترس‌پذیری به شاه برای مردم، جلوه بیشتری

تحفه‌الملوک توجه ویژه‌ای به عدالت رحمانی شده است، حال اینکه به درستی مفهوم نظری آن تبیین نشده است و همچنان زیر سایه عدالت مانده است. در دو اثر دیگر، اما عدالت در کنار مفاهیم جدیدی معرفی شده است؛ چنانکه در اخلاق ناصری، احسان در کنار عدالت به عنوان فضیلت شاه معرفی شده است و در مرصادالعباد، احسان و ایتاء ذی‌القربی در کنار عدالت به عنوان حالت شاه تعریف شده‌اند. با وجود اینکه در هر سه اثر، توجه به حکایات و روایت‌های فضا مندر محدود است، اما کوشش‌هایی بدیع برای تبیین نظری مفهوم دسترس‌پذیری ارائه شده است؛ چنانکه در اخلاق ناصری، تعابیر استعاری فضا مندر مورد استفاده قرار

یافته است. حتی در اثر متأخر دیگر، یعنی اخلاق ناصری، با وجود اینکه هیبت شاه مورد تأکید قرار دارد، اما همزمان به وجه احسان و بخشش شاه توجه شده است. توسعه مفهومی دسترس پذیری در سیاست‌نامه‌های قرون میانه در مرصادالعباد تحقق یافته است، چنانکه آن را مستقل از دال عدالت در نظر گرفته و حالتی برای شاه نامیده است. از آن جا که این تحقیق در سطح خوانش متن سیاست‌نامه‌ها باقی مانده است، از پیشنهادهای آتی برای تکمیل این پژوهش، می‌توان به بررسی نسبت سیاست‌نامه‌ها با زمینه اجتماعی-سیاسی تاریخی‌شان در قرون میانه توجه کرد و نسبت بین ایده‌های تجویزی با وضعیت واقعی زمانه‌شان را توضیح داد. چنانکه احتمالاً سیاست‌نامه‌های دوره دوم، به جهت زوال وضعیت کلان سیاسی و بحران مشروعیت و عدالت، چرخشی به سمت مسائل نظری و تبیین ساختاری عدالت داشته‌اند. همچنین احتمالاً بتوان تأثیر حکومت‌ها با ایده‌های فضا مندر را در تحقیق‌ها مشاهده کرد؛ چنانکه گمان می‌رود که آراء چهره صوفی مسلک نجم رازی توسط پدران معنوی صفوی مورد توجه قرار گرفته باشد و بعدها بر دسترس‌پذیری دستگاه سیاسی صفوی مؤثر بوده باشد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای او وجود نداشته است.

پی‌نوشت

1. accessibility
2. legitimacy
3. representation
4. reflection
5. Actor-Network Theory
6. non-human
7. building-in-use
8. dispositif
9. accessibility

فهرست منابع

- احمدی دارانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). مقدمه مصحح در علی بن ابی‌حفص اصفهانی (مؤلف)، *تحفه الملوک* (صص. ۱۳-۲۸). میراث مکتوب.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا* (جلد سیزدهم). مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهقان، بمانعلی و باغستانی، اسماعیل (۱۳۹۳). *ذی‌القربی*. دانشنامه جهان اسلام. <https://rch.ac.ir/article/Details/13528>
- ذاکری، گیتا؛ شعبانلو، علیرضا؛ پارساپور، زهرا و محمدنژاد عالی‌زمینی، یوسف. (۱۳۹۹). استعاره مفهومی «عدالت» و «ظلم» در آداب الملوک‌ها با تکیه بر قابوس‌نامه، سیاست‌نامه و نصیحه الملوک. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی)*، ۱۲ (۴۸)، ۳۰-۱. https://journals.iau.ir/article_681649.html

- ریاحی، محمدامین. (۱۳۸۲). مقدمه مصحح در *نجم رازی* (مؤلف)، مرصادالعباد (صص. ۹-۱۲۶). انتشارات علمی و فرهنگی.
- صادقی، اسماعیل و رئیسی نافچی، راضیه. (۱۳۹۹). بررسی تصویر شاه-انسان کامل در متون نثر تعلیمی (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، اخلاق ناصری، گلستان سعدی و سلوک الملوک). *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی)*، ۱۲ (۴۸)، ۳۶-۱. https://journals.iau.ir/article_681638.html
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۷۹). *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی*. انتشارات طرح نو.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۸۳). *زوال اندیشه سیاسی در ایران* (چاپ چهارم). انتشارات کویر.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۸۵). *درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران* (چاپ هشتم). انتشارات کویر.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۴۳). *قابوس‌نامه* (زیر نظر علی حصوری). کتابخانه طهوری.
- غزالی، محمدبن محمد. (۱۳۱۷). *نصیحه الملوک* (به تصحیح جلال همائی). چاپخانه مجلس.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۶). *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام* (دوره میانه). انتشارات نی.
- میسمی، مریم و امیرارجمند، مریم. (۱۳۹۹). بررسی فرهنگ همزیستی پادشاه و طبقات اجتماعی در سیاست‌نامه و نصیحه الملوک، *بهارستان سخن*، ۱۷ (۴۷)، ۱۲۶-۱۰۷. https://journals.iau.ir/article_688863.html
- محمود اصفهانی، علی بن ابی‌حفص بن فقیه. (۱۳۱۷). *تحفه الملوک* (به‌اهتمام کتابخانه طهران). چاپخانه مجلس.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۱۲). *مرصادالعباد* (به‌سعی و اهتمام حسین‌الحسینی). مطبعه مجلس.
- نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. (۱۳۴۶). *اخلاق ناصری* (به تصحیح ادیب تهرانی). سازمان انتشارات جاویدان.
- نظام‌الملک، حسین‌ابن علی. (۱۳۴۴). *سیاست‌نامه* (تصحیح محمد قزوینی). انتشارات کتابفروشی زوار.
- همائی، جلال. (۱۳۲۰). *منتخب اخلاق ناصری*. وزارت فرهنگ.
- Awan, N., Schneider, T., & Till, J. (2011). *Spatial Agency: Other Ways of Doing Architecture*. Routledge.
- Busse, H. (1977). Der persische Staatsgedanke im Wandel der Geschichte. *Saeculum*, 28(1), 53-74. <https://doi.org/10.7788/saeculum.1977.28.1.53>
- Cambridge Dictionary Online (n.d.). accessibility. In *Cambridge English Dictionary*. Retrieved June 4, 2023 from <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/accessibility>
- Foucault, M. (1980). POWER/KNOWLEDGE: *Selected Interviews and Other Writings 1972-1977* (L. M. Colin Gordon, John Mepham, Kate Soper, Trans.). Pantheon Books.
- Lambton, A. K. S. (1962). Justice in the Medieval Persian Theory of Kingship. *Studia Islamica*, 17, 91-119. <https://doi.org/10.2307/1595003>
- Latour, B. (1993). *We Have Never Been Modern* (C. Porter,

Trans.). Harvard University Press.

- Saremi, H., & Jalali, A. (2022). Iranian-Islamic City through Economic views and urban activities of Nizam al-Mulk. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 12(1), 31-48. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2022.294453.1320>
- Savory, R. (1974). The Safavid State and Polity. *Iranian Studies* 7(1/2), 179–212. <http://www.jstor.org/stable/4310161>

- Shiner, L. (1982) Reading Foucault: Anti-Method and the Genealogy of Power-Knowledge, *History and Theory*, 21(3), 382-398. <https://www.jstor.org/stable/2505097>
- West-Pavlov, R. (2009). *Space in Theory: Kristeva, Foucault, Deleuze*. Rodopi.
- Yaneva, A. (2017). *Five Ways to Make Architecture Political: An Introduction to the Politics of Design Practice*. Bloomsbury.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

مصلح، محمد فرید. (۱۴۰۴). دسترس پذیری فضاوند به شاه: بررسی شش سیاستنامه دوره میانه اسلام. *باغ نظر*, ۲۲ (۱۵۰)، ۳۹-۴۸.

DOI: [10.22034/bagh.2025.529276.5846](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.529276.5846)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_229843.html

